



جهش‌های تحصیلی یا آفرینش‌های ذهنی

اما باید توجه داشت که تفاوت‌های بین فردی، به خودی خود به معنای برتری و فضیلت نیست، چرا که تنها معیار ارزشها در نزد خالق انسانها تقواست.^۲ تقوا نیز کسب کردنی و ارادی است و اگر به لطف و حکمت الهی فردی از بهره‌های هوشی فوق العاده برخوردار می‌شود، قدر مسلم به همان میزان مسؤولیت بیشتری در زندگی اجتماعی، متوجه او و والدین و مریسانش می‌گردد. پروردگار متعال هرکس را به اندازه وسع و توانش مسؤول می‌داند^۳ و بالطبع آنانی که از ظرفیت ذهنی بیشتر و قدرت تفکر فوق العاده‌ای برخوردارند، بیش از دیگران مسؤول هستند.

بنابراین شناخت و تعلیم و تربیت صحیح افراد تیز هوش و پرورش استعدادها و

بدون تردید نظام خلقت الهی، نظامی است ویژه و استثنایی و هرکس به گونه‌ای خاص و متفاوت از دیگری آفریده می‌شود.^۱ کودکان و نوجوانان از جهات مختلف ذهنی، جسمی، عاطفی و روانی باهم تفاوت دارند. ما در زندگی روزمره خود، عمدتاً به تفاوت‌های قابل ملاحظه یا معنی دار توجه داشته، کسانی را که به گونه‌ای کاملاً مشهود نسبت به دیگران تفاوت دارند، استثنایی می‌نامیم.

مثلاً در کنار گروهی از افراد جامعه که به دلایلی از نظر ذهنی دچار عقب ماندگی هستند، عده‌ای نیز در جهت دیگر منحنی هوشی قرار گرفته، به درجات مختلف از نظر هوشی بطور قابل ملاحظه‌ای برتر از همسالان خود می‌باشند.

تذکر این نکته لازم است که افراد خلاق و نوآور عموماً از بهره هوشی بالاتر از متوسط برخوردار هستند، اما هر فرد تیز هوش لزوماً خلاق و نوآور و صاحب تفکر واگرا نیست؛ لذا تیز هوشی زمانی می تواند از ارزش فوق العاده ای برخوردار باشد که خمیرمایه خلاقیت و نوآوری گردد و چه بسا عطف توجه به قدرت خارق العاده ذهنی کودک و انباشته کردن آن با مجموعه ای از اطلاعات و مهارت های ذهنی، و هدایت پیش از موقع کودک به یادسپاری معلومات آموزشی، خود مانع رشد خلاقیت و آفرینش ذهنی وی شود.

در گذشته دور افلاطون اعتقاد داشت بهتراست کودکان تیز هوش و با استعداد را برگزینیم و بخوبی تربیت کنیم تا رهبری و مدیریت آتن و اسپارت را به آنان بسپاریم. به عبارت دیگر افلاطون انتخاب و تربیت تیزهوشان را برای اداره امور جوامع ضروری می دانست و بسیاری نیز براین عقیده استوار بودند. پس از انقلاب صنعتی در اروپا هم این اندیشه خریدار بسیاری داشت؛ بدین معنی که سردمداران جوامع صنعتی برآن بودند که با دایرکردن دوره های تخصصی و تربیت

خلاقیت های ذهنی آنان به عنوان یک ضرورت و مسؤولیت اجتماعی از اهم وظایف کارگزاران جامعه اسلامی و دست اندرکاران نظام آموزشی کشور است.

دردنیای پیچیده امروز که شاهد رقابت های بسیار فشرده جوامع مختلف در دستیابی به تکنولوژی برتر به مثابه منبع اصلی قدرت هستیم، افراد تیز هوش و خلاق و صاحبان اندیشه های نو و تفکر واگرا، از گرانبها ترین سرمایه های هر جامعه و ملتی هستند. اینک جامعه ما بیش از هر زمان دیگر نیازمند افراد هوشمند، خلاق و نوآور است. هر قدر جهانی که در آن زندگی می کنیم پیچیده تر می شود نیاز به شناسایی و پرورش ذهن های خلاق و آفریننده بیشتر و شدیدتر می گردد و به همین دلیل در دهه اخیر مطالعات و تحقیقات مربوط به تیز هوشی و خلاقیت از مهمترین مسائل، در قلمرو روان شناسی آموزشی بوده است.

اما اصلی ترین سؤال این است که آیا هر کودک و بزرگسال تیز هوشی می تواند خلاق و مبتکر باشد و یا اینکه پدیده خلاقیت امری دیگر و مستلزم توجه دیگری است؟ قبل از بحث مختصری پیرامون خلاقیت،

افراد تیز هوش و خلاق و صاحبان اندیشه های نو و تفکر واگرا، از گرانبها ترین سرمایه های هر جامعه و ملتی هستند. اینک جامعه ما بیش از هر زمان دیگر نیازمند افراد هوشمند، خلاق و نوآور است.

در دهه اول سال ۲۰۰۰ کشوری که بتواند به تکنولوژی برتر مسلح شود غنی تر و قوی تر خواهد بود. بنابراین شایسته است که از میان افراد تیزهوش جامعه، نوجوانان و جوانانی را انتخاب و تربیت کنیم که دارای قابلیت‌های آفرینش علمی و هنری هستند. همچنین زمینه تفکر واگرا (DIVERGENT THINKING) را برای آنان فراهم کنیم تا با اختراعات و نوآوری‌هایشان جامعه و کشور خویش را قدرتمند سازند.

اگر ما نیز بخواهیم به آینده کشورمان بیندیشیم چاره‌ای جز این نداریم که به جای توجه به پیش افتادگیها و جهش‌های تحصیلی و مدرک‌گرایها، شیوه‌های آموزش خلاق را در مدارسمان به کار بریم و در دانشگاه‌هایمان نیز به امر پرورش خلاقیت در میان جوانان بیشتر بپردازیم.

بدون شک، در این ارتباط در جامعه اسلامی ما بیشترین مسؤلیت برعهده کارگزاران و مربیان آموزش و پرورش است که با علم و آگاهی، محبت و صبوری نویاگان و نوجوانان کشورمان را به گونه‌ای تربیت نمایند که آنان بتوانند سرنخ تکنولوژی برتر را به دست گرفته، در برابر همه لجام‌گسیختگیهای فرهنگی مقاوم باشند.

خلاقیت امری است فردی که طی آن شخص با استفاده از تفکر واگرا، فکری نو و تولیدی تازه ارائه می‌دهد. خلاقیت در نوجوانی و جوانی به اوج خود می‌رسد. صاحبان تفکر خلاق از اعتماد به نفس قوی،

افراد تیزهوش، مدیریت مراکز صنعتی، علمی و فنی را به آنان واگذار کنند. از سالهای ۱۹۵۰ به این سو، این تفکر با حفظ تازگی خود به شکل امروزی آن مطرح گردید.

باتوجه به این که دنیا روز به روز پیچیده تر می‌شود، و تکنولوژی با سرعت سرسام‌آوری به پیش می‌رود، سخن از جنگ ماهواره هاست، انسانهای ریاتیک پای به عرصه حیات بشری می‌گذارند و لجام‌گسیختگیهای فرهنگی هم به شیوه‌های بی‌سابقه‌ای فراگیر شده و خواهد شد، اگر محصلان هر جامعه، بخصوص تیزهوشان آن نتوانند بر تکنولوژی جدید احاطه داشته باشند، آن جامعه دچار نوعی عقب‌ماندگی فرهنگی خواهد شد. پس باید بچه‌ها را به گونه‌ای تربیت کنیم که از حداکثر ظرفیت هوشی خویش بهره‌مند شوند تا در آینده قادر باشند خود و جوامع صنعتی‌شان را اداره کنند.

امروزه دنیا به این نتیجه رسیده است که اگر چه تیزهوشان از اهمیت بسیاری برخوردارند و درست است که انسانها برای ادامه حیات مطلوب خود نیازمند بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت هوشی خویش هستند، اما در آینده کشورهای قدرتمند و جوامع پیشرو، جوامعی هستند که به منابع قدرت بیشتری دسترسی داشته باشند، و منبع اصلی قدرت یعنی تکنولوژی جدید و برتر، به بیان دیگر

انسان مولد و متفکر، خود نشانی است از رشد متعادل و متعالی شخصیت و پاسخی است به نیاز همیشه انسان به شکافتن بن بستها و راه یافتن به فراترها.

برای اینکه نوجوانان و جوانان از شخصیت مستقل، متعادل و متعالی که جوهره شکوفایی وجود و خلاقیت‌های ذهنی است برخوردار گردند، باید زمینه‌های تلاش و حرکت آنها را به تناسب رشد شخصیت و تحول ذهنی شان فراهم ساخت و موانع

احساس خود ارزشمندی بسیار، آزاد-اندیشی، انعطاف پذیری فراوان و قدرت تخیل شگفت انگیز برخوردارند. اینان کسانی هستند که از اوقات فراغت خود بهترین بهره را می‌گیرند و دارای آرامش و تعادل روانی هستند. صراحت لهجه، شوخ طبعی، منطقی بودن، استقلال رأی و قضاوت از دیگر ویژگیهای افراد خلاق است. ذهن افراد مبتکر و خلاق خارج از کانال بندیها و نرمهای مشخص جامعه کار می‌کند و ایشان



پیشرفت آنان را برطرف کرد. از آن جا که وجود موانع متعدد، فشارها، شکستها و ناکامیهای مکرر در زندگی موجب ایجاد سستی و تزلزل در پایه‌های شخصیت در

همواره قراردادها و نرم‌های موجود را مورد سؤال قرار می‌دهند. زیاد سؤال کردن و داشتن ابتکار عمل نیز از خصایص انسانهای خلاق به شمار می‌آید.

حقیقت این است که خلاقیت به معنای خاص آن، به مثابه برترین ویژگی ذهنی

شایسته است که از میان افراد تیز هوش جامعه، نوجوانان و جوانانی را انتخاب و تربیت کنیم که دارای قابلیت‌های آفرینش علمی و هنری هستند.

کاملاً آسیب پذیر و فاقد استقلال رأی داشته باشند. این قبیل کودکان و نوجوانان عموماً از آزاد اندیشی، استقلال رأی، بی تکلفی و شوخ طبعی که از برجسته‌ترین ویژگی‌های افراد خلاق و مبتکر است محرومند و همواره در اندیشه و تلاش و کاری هستند که صرفاً

حال رشد کودکان و نوجوانان را فراهم می - سازد و اعتماد به نفسشان را کاهش داده، احساس خود ارزشمندی ایشان را تضعیف می کند، می بایست از رها ساختن آنان در میان انبوه مشکلات اجتماعی و فشارهای اقتصادی حتی الامکان اجتناب ورزید.



رضایت اولیاء و مربیان‌شان را فراهم آورند. برخی از اینان متأسفانه فقط به سوگلی خانه و مدرسه تبدیل می شوند؛ در حالی که بچه های خلاق خودشان هستند و یا می - خواهند خودشان باشند! راستی وقتی که انسان از یک رشد هماهنگ و متعادل

حقیقت این است که در غالب موارد جهشهای تحصیلی سبب می شود که کودکان به طور یک بعدی رشد کنند و بدور از یک بالندگی هماهنگ و متعادل، با تحمل کمبودها و فشارهای عاطفی، روانی و اجتماعی، ترد و شکننده شده، شخصیتی

در حال رشد کودک آفت رشد و شکوفایی
خلاقیت های ذهنی است .

بنا بر آنچه که اختصاراً به آن اشاره شد،
برای اینکه کودکان و نوجوانان ما از بهداشت
روانی ، شخصیتی مستقل و ذهنی خلاق
برخوردار شوند ضروری است :

۱ - با توجه به نیازهای اساسی کودک و
حسن تأمین آنها، زمینه رشد متعادل و
هماهنگ شخصیت ایشان را فراهم کرده ، از
اعمال هرگونه فشار جسمی ، ذهنی ، عاطفی
و روانی اجتناب نمود.

۲ - ضمن توجه بیشتر به شیوه های
ارضای حس کنجکاوی فوق العاده کودکان
تیز هوش و هدایت مطلوب انرژی روانی
ایشان ، از پرورش مهارت های حسی ، عاطفی
و اجتماعی آنان غافل نبود.

۳ - از آن جا که جهش تحصیلی ، بخصوص
جهشهای چندگام ، همواره سبب می شود
کودک در موقعیتی قرار گیرد که از نظر
عاطفی ، روانی و اجتماعی آمادگی نشان دادن
واکنشها یا رفتارهای مطلوب و مورد انتظار را

جسمی ، ذهنی ، عاطفی ، اخلاقی
و اجتماعی بهره مند نباشد ، چگونه می -
تواند از بهداشت روانی ، آرامش خاطر ،
اعتماد به نفس و احساس خود ارزشمندی
که از پایه های نخستین خلاقیت های ذهنی
است برخوردار شود؟!

به گفته "تورانس"^۲ که از محققان برجسته
روان شناسی خلاقیت های ذهنی است ،
"خلاقیت ، شکافتن بن بستها و دست دادن
بافرداست". با توجه به این بیان ، چگونه
کودک یا نوجوانی که نیازهای اولیه و اساسی
او به نحو شایسته ای تأمین نشده و تمامی
شخصیتش در دایره ذهنش محبوس گشته
است می تواند بن بستهای محیط و
جامعه اش را بشکافد ، طرحی نو در اندازد ، از
قالب خویش به درآمده ، پیوندی با دنیای
فردا داشته باشد؟!

به طور کلی برای اینکه بچه ها ذهنی
خلاق داشته باشند ، نیازمند آرامش روانی ،
اطمینان خاطر و اعتماد به نفس قوی هستند .
تنبیه ، تهدید ، تحقیر و هرگونه فشارهای
روانی و ذهنی و تحدید شخصیت فراگیر و

حقیقت این است که در غالب موارد جهشهای تحصیلی
سبب می شود کودکان به طور یک بعدی رشد کنند و بدور
از بالندگی هماهنگ و متعادل با تحمل کمبودها و فشارهای
عاطفی ، روانی و اجتماعی ، ترد و شکننده شده ، شخصیتی
کاملاً آسیب پذیر و فاقد استقلال رأی داشته باشند .

دارای کودکان تیز هوش و سرآمد هستند و آشنا کردن ایشان با روشهای پرورش حس کنجکاوی و قدرت خلاقیت در کودکان و نیز آگاه ساختن مربیان مدارس از روشهای آموزش بالینی و خلاق، امری است بسیار ضروری.

۷ - تأسیس و گسترش مراکز مشاوره و راهنمایی خانواده و کودکان سرآمد و خلاق (سنین پیش دبستان و دبستان) از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

۸ - در نهایت انجام مطالعات مستمر پیرامون کودکان تیز هوش و خلاق جامعه، و همچنین استفاده از نتایج بررسیهای انجام شده در باره آن دسته از کودکان تیز هوشی که در سالهای گذشته با جهشهای تحصیلی پی در پی مدارج مختلف تحصیلی را طی کرده، اما هیچ گونه خلاقیتی از خود نشان نداده اند نیز می تواند راهگشای بسیاری از برنامه های آتی و پاسخی برای خوش-باوریه و پیش داوریه باشد.

والسلام

پاورقیها:

۱ - لَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً (سوره نوح، آیه ۱۴)

۲ - إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ (سوره حجرات،

آیه ۱۳)

۳ - لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا (سوره بقره،

آیه ۲۸۶)

۴ - TORANCE (۱۹۸۹)

نداشته، غافل از رشد مستقل شخصیت خود صرفاً در اندیشه جلب توجه و رضامندی دیگران به سربرد و بالطبع از هر گونه آفرینشهای ذهنی محروم ماند، شایسته است ضمن ارج نهادن به ظرفیت ذهنی فوق العاده کودکان تیز هوش از مواجه ساختن زود رس آنان با برنامه های درسی و تأکید بر محفوظات و عنوان کردن تکالیف مختلف پرهیز شود.

۴ - بایسته است حتی الامکان تلاش کنیم که شخصیت در حال رشد کودکان و نوجوانان را در گرداب فشارهای ذهنی و اجتماعی، آسیب پذیر و متزلزل نسازیم.

۵ - لازم است هرگز از کودکان و نوجوانان نخواهیم که همه انرژی و توان خویش را صرفاً برای رضامندی اولیاء و مربیان مصروف دارند. باید به آنها فرصت دهیم هر زمان که مقدور است آزادانه و مستقل به مسأله یا فعالیتی که عمیقاً دوست دارند و بهتر از هر کار دیگر از عهده آن برمی آیند بپردازند. شایسته است نوجوانان و جوانان مطلوب ترین اوقات فراغت را در اختیار داشته باشند تا آزادانه و به گونه ای که دوست دارند از آن بهره برده، از هوشمندی و استعداد خود بهترین و بیشترین استفاده را بکنند.

۶ - برگزاری کلاسهای آموزش خانواده برای اولیای جوان، بخصوص کسانی که